

بررسی نظام عاطفی گفتمان در خطبه غدیریه امام رضا(ع) با تکیه بر نظریه گرمس

دکتر علی ضیغمی

استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان

zeighami@semnan.ac.ir

مسعود سلمانی حقیقی

کارشناس ارشد مترجمی عربی دانشگاه سمنان

salmanihaghighi@semnan.ac.ir

چکیده

در این مقاله به بررسی یکی از ابعاد گفتمان متن یعنی نظام عاطفی گفتمان در متن خطبه غدیریه امام رضا(ع) می‌پردازیم. در اغلب متون دینی همواره نوعی موضع و گفتمانی حضور دارد که از پویایی آن ما را روابط و تعامل میان نیروهای هم سو یا هم گرا و نا هم سو یا واگرا هدایت می‌کند. انواع نظام‌های گفتمانی در حوزه نشانه معنانشناسی از دید گرمس عبارت‌انداز: نظام گفتمانی کنشی، تجویزی، القایی یا مجابی، عاطفی و تنشی و رخدادی. در این مقاله، به بررسی تولید و دریافت معنا در خطبه غدیریه امام رضا(ع) با تکیه بر نظام عاطفی گفتمان می‌پردازیم بدین جهت رویکردهایی نظیر: (تأثیر افعال، تأثیر آهنگ و نمود در گفتمان، تأثیر جسم و- ادراکی یا جسمار، دور نماسازی و صحنه‌های عاطفی و کنش زایی و سکون) را در متن خطبه انتخابی مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش به روش توصیفی- تحلیلی انجام گرفته است. حضرت رضا(ع) با استفاده از نظام عاطفی گفتمان در کلام خود حقانیت ولایت و حضرت علی(ع) را بیان و آن را هژمونیک می‌نماید. در نهایت می‌توان گفت فضای گفتمان عاطفی بر خطبه غدیریه بسیار مشهود است و گونه‌های تقابلی شناختی و دخیل در تولید به معنا به گونه‌هایی سیال و ناپایدار تغییر می‌یابند و به کارگیری رویکرد نشانه معنانشناسی باعث افزایش عاطفه و احساس در کلام حضرت شده و بر اثر بخشی آن بر مخاطب را می‌افزاید.

کلیدواژه‌ها: گفتمان، نشانه- معنانشناسی، نظام عاطفی، خطبه غدیریه، گرمس.

دهمین همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

مقدمه

زبان به همان اندازه که منحصر به فرد است، فراگیر و تأثیرگذار هم هست. پیدایش رویکردهای متفاوت برای بررسی زبان دال بر همه‌جانبه بودن آن است. به‌ندرت جنبه‌ای از زندگی انسان را می‌توان یافت که زبان در آن نقشی ایفا نکند. به‌وسیله زبان به تعامل و ارتباط می‌پردازیم و احساسات و اندیشه‌های خود را به دیگران انتقال می‌دهیم. گاهی به آن از منظر جامعه‌شناختی و گاهی روان‌شناختی توجه می‌شود و گاهی با ابزاری چون زبان‌شناسی به کنکاش مفاهیم که در کنه جملات و کلمات آن جان گرفته است، پرداخته می‌شود.

نشانه‌معنانشناسی یکی از ابزارهای علمی تحلیل نظام گفتمانی است که سازوکارهای شکل‌گیری و تولید معنا در متون را بررسی و مطالعه می‌کند. در مطالعات اخیر زبان‌شناسی، رویکرد نشانه-معنانشناسی، مطالعات مربوط به نشانه را متحول کرده است. در این رویکرد، دیگر نشانه‌ها در سطح دال و مدلول‌های کلیشه‌ای و مکانیکی زبان باقی نمی‌مانند و عاملی به نام جسمانه که رابطه میان دال و مدلول است، تنظیم‌کننده پیوند میان معانی آن‌ها و ارتقای نسبت‌های میان آن‌هاست. از این‌رو نشانه‌شناسی ساخت‌گرا، وارد حوزه جدیدی از مطالعات زبان‌شناسی می‌شود که می‌توان آن را نشانه‌شناسی پدیدار شناختی نامید. در این حوزه نشانه‌ها و مدلول‌های معنادار خود به خود ارزیابی می‌شوند و همین امر سبب می‌شود که نشانه‌ها به نشانه‌های کامل یا استعلایی تغییر یابند (شعیری، وفایی، ۱۳۸۸: ۱-۶). در حقیقت، در نشانه-معنانشناسی با عبور از نشانه‌شناسی ساخت‌گرای محض به نشانه‌شناسی پدیدارشناسی و نشان دادن مسیر حرکت نشانه‌ها به نشانه‌های استعلایی، عوامل معرفت‌شناسانه‌ای آثار، فرصت بروز و ظهور بیشتری می‌یابد. با تحلیل قصه‌های

قرآن از این دیدگاه می‌توان انواع نظام‌های گفتمانی را در آن تعیین کرد و به تبیین قابلیت‌های زبانی آن و روشن شدن معانی متعالی و آموزه‌های نهفته در کنش‌ها و گفتارهای قصه‌ها پی برد، و دلایل برخی گسست‌ها و پراگندگی‌ها و حذف و اختصار و درنگ و ایجاز در قصص قرآنی را توجیه کرد (داودی مقدم، ۱۳۹۳: ۱۷۷-۱۷۸).

از دید گرمس انواع نظام‌های گفتمانی که در تحلیل گفتمان‌ها به کار گرفته می‌شود عبارت است از: نظام گفتمانی کنشی، تجویزی، القایی یا مجابی، عاطفی و تنشی و رخدادی (گرمس، ۱۳۸۹، ۵-۱۰). هرگاه فرآیند نشانه معناشناسی تحقق یابد و در کنش زبانی که حاصل آن متن است تجلی یابد ما با گفتمان مواجه هستیم. «از نظر بنونست هرگاه فردی طی کنش گفتمانی و در شرایط تعاملی، زبان را مورد استفاده فردی قرار دهد، به تولید گفتمان پرداخته است» (بنونست، ۱۹۷۴: ۲۶۶).

در مقاله حاضر به بررسی نظام عاطفی گفتمان و سیالیت حاکم در گفتمان خطبه غدیریه امام رضا(ع) می‌پردازیم و با تبیین نشانه - معناشناسی این خطبه، ضمن بررسی عناصر دخیل و سازنده در مراحل گفتمان، نظام عاطفی و چگونگی هژمونیک شدن دال‌ها را به تصویر می‌کشیم و به بیان ارتباط هژمونی و گفتمان در تولید مفاهیم و معانی در خطبه مذکور خواهیم پرداخت.

سوالات تحقیق

- ۱- چگونه نظام عاطفی گفتمان در کلام امام رضا(ع) موثر بوده است؟
- ۲- نظام عاطفی گفتمان چگونه باعث تولید معنا و مفهوم می‌شود؟



فرضیات تحقیق

نظام عاطفی گفتمان تحت پوشش فشاره‌هایی که تابع نظام پیوستاری هستند در دل گونه‌های تقابلی سخن می‌کنند و به دلیل برخورداری از اصل سیالیت نشانه‌ها، رابطه‌های همسو و ناهمسو را پدید می‌آورند که همین امر بر کلام امام رضا (ع) تاثیر گذاشته و باعث افزایش و ایجاد مضمون معنوی و لغوی گشته که بر مخاطب تاثیر می‌گذارد. ^{۱۳۹۹}
نظام عاطفی گفتمان معنا و مفهوم را گونه‌ای نامحسوس و عمیق و با استفاده از مکانیزم‌های خاصی تولید می‌کند و باعث انتقال آن می‌شود.^۱

www.anjomanfarsi.ir

پیشینه پژوهش

با توجه به نوع موضوع پژوهشی اندکی در حوزه نشانه معناشناسی و تحلیل گفتمان کلام امام رضا(علیه السلام) صورت پذیرفته است که به همین دلیل به برخی از آنها در این حوزه اشاره می‌شود:

مقاله «تحلیل گفتمان مناظره های امام رضا» نوشته حسن مجید که در سال (۱۳۹۲ش) در مجله فرهنگ رضوی به چاپ رسیده است که در این مقاله مناظره های امام رضا(علیه السلام) با ادیان و فرق مختلف بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی ون دایک مورد تحلیل قرار گرفته است.

مقاله «راهبردهای تقریب ادیان و مذاهب در سیره رضوی با تأکید بر مناظرات و احتجاجات» نوشته فاطمه خادمی و دیگران است که در سال (۱۳۹۵ش) در مجله فرهنگ رضوی به چاپ رسیده است که در این مقاله راهبردهای امام رضا(علیه السلام) در مساله تقریب ادیان و مذاهب و چگونگی استفاده از آن برای وحدت مذاهب اسلامی در جهان معاصر پرداخته شده است.

مقاله دیگر به عنوان «تحلیل نشانه - معناشناسانه نظام گفتمان امام رضا (علیه السلام) (پژوهش موردی: دعای طلب باران)» نوشته دکتر نورسیده و پوربایرام می باشد که در سال (۱۳۹۸ش) در مجله فرهنگ رضوی به چاپ رسیده

¹ Benvenistee.

است. این مقاله دعای طلب باران را به دلیل داشتن ماهیت گفتمان روایی حاوی شوش‌ها و کنش‌های متعدد و ارزش محور مورد بررسی قرار می‌دهد.

پژوهش حاضر در باب بررسی نظام عاطفی گفتمان در خطبه غدیریه امام رضا(علیه السلام) می‌باشد که در بحث‌های مشابه تحلیل گفتمانی با سایر مقالات ذکر شده تفاوت دارد.

نشانه - معنا شناسی

واژه گفتمان به معنای زبان و رای جمله می‌باشد که مشتق از فعل "discourir" است و از جمله رویکردهای مفید برای تحلیل گفتمان، رویکرد نشانه معناسناسی است که به بررسی مسیر و عوامل مدلول‌های معنادار می‌پردازد. در نشانه-معنا شناسی، روند چگونگی استحاله نشانه‌ها در معنا و ایجاد ارزش‌های متفاوت و نیز ارزیابی آنان در فرآیند گفتمان بررسی می‌شود. به عبارت دیگر «نشانه-معناسناسی به ظاهر شدن معنایی می‌پردازد که از میان شکل‌های زبانی دریافت شده است. در بررسی‌های نشانه معنا شناسانه دیگر نمی‌توان با نشانه‌ها به مثابه یک گونه منفک، واحدهای کمینه‌ای جدا افتاده و عناصر از هم گسسته برخورد کرد. بلکه باید با دید گفتمانی به مطالعه آن پرداخت. از این رو، نشانه معنا شناسی ابزاری علمی است که با آن می‌توان ساز و کار تولید معنا را در گفتمان بررسی کرد. این سخن بدان معنا است که زبان آنگونه که سوسور گفته است، نظامی از نشانه‌ها نیست، بلکه مجموعه‌ی است از ساختارهای معنا دار. نشانه معنا شناسی ابزاری علمی است که با آن می‌توان سازکار شکل‌گیری و تولید معنا را در گفتمان بررسی و مطالعه کرد» (پارسا و رحیمی، ۱۳۹۵: ۲) رویکرد نشانه-معنا شناسی گفتمان محل نزاع، تبانی، هم پوشی، همسویی، تفکیک، ترکیب، تقابل و تعامل نشانه‌ها با یکدیگر است. به همین دلیل گفتمان راهکارهایی را ایجاد می‌کند که راه برای شکل‌گیری این ویژگی‌ها هموار شود. در واقع برای اینکه عملیات تولید معنا بتواند به بهترین وجه ممکن تحقق یابد، باید شرایط عبور از آنچه که می‌توان آن را روساخت یا صورت‌های بیان دانست به سمت ژرف ساخت یعنی آنچه که محتوا یا درونه‌های بیان نامیده می‌شود فراهم گردد. در نشانه معناسناسی گفتمان، نشانه-معناها تحت نظارت و کنترل فرآیند گفتمانی بروز می‌یابند و در تعامل با یکدیگر، به گونه‌هایی سیال، پویا، متکثر، چند بعدی و تنشی تبدیل می‌شوند. این دیدگاه، در ابعاد عاطفی، شناختی، حسی-ادراکی، وزبانی شناختی قابل بررسی است که دو بعد حسی ادراکی اهمیت بیشتری دارد؛ به طوری که فعالیت گفتمانی، وجود خود را وامدار این دو جریان است (شعیری، اسماعیلی، کنعانی، ۱۳۹۲: ۶۲-۶۴).^۱

تحلیل گفتمان متون اسلامی

برای تبیین مفهوم گفتمان در ابتدا باید به تعریف اصطلاحات گفته پرداز، گفته و گفته پرداز پرداخت. گفته پرداز کسی است که مسوول تولید متن است گفته پرداز عملیاتی است که بر تولید گفته منجر می‌شود و گفته محصول گفته پرداز است. در واقع در هر تولید زبانی، شخصی به نام گفته پرداز هست که مسوول متن تولید شده است (خراسانی، غلامحسین زاده، شعیری، ۱۳۹۴: ۳۸-۳۹). گفتمان در هر برهه‌ای از زندگی اجتماعی انسان در چارچوبی و رویکردی خاص تعریف و شناسانده شده است و در شکل‌گیری و تکوین آن‌چه امروزه تحلیل گفتمان و تحلیل انتقادی گفتمان مطرح می‌شود، تاثیر بسزایی داشته است. تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی اسلامی در قالب‌های مختلف، نظیر نقد ادبی، علم خطابه و بلاغت که شامل بیان و بدیع می‌شد، تجلی یافت. از ابتدا علمای اسلامی دریافته‌اند که در متن با واحدی بزرگتر از جمله سرو کار دارند. «نصّ به عنوان یک اصطلاح، از قرون اولیه اسلامی کاربرد داشته است. اما با این حال علمای اصول، همچون مروزی، زرکشی، قشیری و... به تعریف جامعی از متن نرسیده‌اند و نگرش رایج از نظر اصولیین این است که نصّ سخنی است که حاوی حکمی صریح و یقینی باشد؛ بدون گمان، احتمال و تأویل.

^۱ Saussure

به عبارت دیگر نص سخنی است که یک تأویل دارد» (حمیری، ۲۰۰۸: ۳۷-۴۷). در تعاریف نحوی از متن، در واقع عنصر مهم، انسجام است. «در این تعاریف جملات جزئی از متن هستند و متن مجموعه‌ای از جملات که به گونه‌ای یک دور را نشان می‌دهد» (پروینی و نظری، ۱۹۳۹: ۱۲۶). در آثار مربوط به بلاغت، کلماتی از نوع استحکام، انسجام، پختگی، جزالت، سلامت، سهل ممتنع و... بسیار دیده می‌شود. در حقیقت باید گفت تلقی قدما از مفهوم انسجام، تحت مقوله خاصی تبیین نشده است. اگر سیر تاریخی موضوع را در کتب بلاغت دنبال کنیم، می‌بینیم که تا عصر ما، هیچ‌یک از قدما تعریفی برای اصطلاحاتی از نوع «انسجام» یا «استحکام» نیاوردند. ظاهراً مفصل‌ترین بحث در این باب، بحثی است که صاحب أنوار الریبع، در عنوان انسجام آورده و می‌گوید: «انسجام در لغت جاری بودن است و در اصطلاح آن است که کلام برخوردار باشد از عذوبت الفاظ، سهولت ترکیب، حسن سبک و خالی از تعقید و تکلف باشد» (قوامی و آذرنا، ۱۳۹۲: ۷۴). «فرهنگ عرب در تجزیه و تحلیل زبان و متون در چهار زمینه تحقیقی مبدع رهیافت‌های بسیار جالبی بوده اند که عبارت اند از: نقد ادبی، بلاغت در مفهوم یونانی آن یعنی خطابه، اصول فقه، بلاغت در مفهوم اسلامی عربی آن یعنی معانی و بیان» (همان). بنابراین می‌توان گفت زبان‌شناسی امروز پیرو و دنباله‌رو زبان‌شناسی کهن اسلامی است و با وجود وجوه افتراقی که وجود دارد نقطه مشترک تمام آن‌ها بررسی زبان است. البته باید این نکته را نیز خاطر نشان شویم که «مفاهیم دانشمندان اسلامی در قرن دوازدهم همان مفاهیم و رویکردهای زبان‌شناختی است که در دهه‌ی هفتاد قرن بیستم در زبان‌شناسی اروپا و آمریکا در قالب رویکردهای کاربردشناسی مطرح می‌گردد؛ مفاهیمی همچون جمله، کلام، خوش ساخت، متکلم، مخاطب، کلام اطلاعاتی، کلام کنشی، معنی اولیه (صریح)، معنی ثانویه (ضمنی)، موقعیت ارتباطی، مقتضی الحال (موقعیت‌های مورد نیاز)، بافت موقعیتی و... جالب‌تر این‌که در سنت مطالعات زبان‌شناختی اسلامی، فلاسفه و علمای علم کلام (بلاغت) همان مراحل طی می‌کنند که زبان‌شناسی اروپایی در دهه‌های اخیر مطالعات زبان‌شناختی گذراندند» (همان ۶۱).

همانطور که بیان شد گفتمان اسلامی تأثیر و حضور پررنگی در مقوله گفتمان دارد، امری که به خوبی بیانگر تأثیر شگرف گفتمان اسلامی در جدیدترین مباحث زبان‌شناسی رایج امروز در جهان غرب دارد.

خطبه غدیریه
غدیر خم نقطه اوج اسلام است، روز اکمال دین و اتمام نعمت‌های الهی بر امت اسلامی و روزی است که خدای متعال بندگان خویش را برای استمرار حرکت در مسیر حق و حقیقت به ولایت علی ابن ابی طالب (علیه السلام) و خاندان پاکش دعوت کرد. عظمت این روز همواره مورد تأکید پیشوایان دین و ائمه معصومین (علیهم السلام) قرار گرفته و هر یک از امامان به فراخور حال در خصوص این روز بزرگ بیاناتی داشته‌اند. از جمله آن‌ها خطبه‌ای است که از حضرت رضا (علیه السلام) در این باره ایراد شده است. امام در فرازهای مختلف از "خطبه غدیریه" ویژگی‌ها و اهمیت این روز بزرگ را بیان می‌کند؛ زیرا در این روز فرج و گشایش بزرگی حاصل شده که مشکلات و نابسامانی‌ها را مرتفع ساخته است. حضرت رضا (علیه السلام) در این خطبه بیان می‌دارند: هرچند «علی راه خداست» اما در راه متوقف نشوید، زیرا راه برای پیمودن و رسیدن به مقصد متعالی هستی است؛ ایشان تأکید دارند که تفسیر قرآن، سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، معرفت دینی و شیوه زندگی را از علی (علیه السلام) بیاموزید تا در پیشگاه الهی گرفتار شرک و کفر نشوید. تمامی این مسائل و نکات آموزنده و تأثیرگذار را می‌توان در بافت متن خطبه و اصول زبانی به کارگرفته شده در آن درک کرد.

«إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ زُفَّتْ أَرْبَعَةُ أَيَّامٍ إِلَى اللَّهِ كَمَا زُفَّتْ الْعَرُوسُ إِلَى خَدْرَهَا قِيلَ مَا هَذِهِ الْأَيَّامُ قَالَ يَوْمُ الْأُضْحَى وَ يَوْمُ الْفِطْرِ وَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمُ الْغَدِيرِ وَ إِنَّ يَوْمَ الْغَدِيرِ بَيْنَ الْأُضْحَى وَ الْفِطْرِ وَ الْجُمُعَةِ كَالْقَمَرِ بَيْنَ الْكَوَاكِبِ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي نَجَّى فِيهِ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ مِنَ النَّارِ فَصَامَهُ شُكْرًا لِلَّهِ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ فِي إِقَامَةِ النَّبِيِّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَمًا وَ أَبَانَ فَضِيلَتَهُ وَ وِصَاةَهُ فَصَامَ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَ إِنَّهُ لِيَوْمُ الْكَمَالِ وَ يَوْمُ مَرَعْمَةِ الشَّيْطَانِ وَ يَوْمُ تَقْبَلُ أَعْمَالُ

الشَّيْعَةَ وَمُحِبِّي آل مُحَمَّدٍ ، وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَعْمَدُ اللَّهُ فِيهِ إِلَى مَا عَمَلَهُ الْمُخَالَفُونَ فَيَجْعَلُهُ هَبَاءً مَنثورًا. وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَأْمُرُ جَبْرئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَنْصَبَ كَرْسِيَّ كَرَامَةِ اللَّهِ بِإِزَاءِ بَيْتِ الْمَعْمُورِ وَيَصْعَدُهُ جَبْرئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتَجْتَمِعُ إِلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَيَتَنَوَّنَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِشَيْعِهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمُحِبِّيهِمْ مِنْ وَالدِّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَأْمُرُ اللَّهُ فِيهِ الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ أَنْ يَرْفَعُوا الْقَلَمَ عَنْ مُحِبِّي أَهْلِ الْبَيْتِ وَشَيْعَتِهِمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ يَوْمِ الْغَدِيرِ ، وَلَا يَكْتُبُونَ عَلَيْهِمْ شَيْئًا مِنْ خَطَايَاهُمْ كَرَامَةً لِمُحَمَّدٍ وَعَلَى وَالْأئِمَّةِ . وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ لِمُحَمَّدٍ وَأَلِهِ وَذَوِي رَحْمَةٍ ، وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَزِيدُ اللَّهُ فِي حَالِ مَنْ عَبَدَ فِيهِ وَوَسَّعَ عَلَى عِيَالِهِ وَنَفْسِهِ وَإِخْوَانِهِ وَيَعْتَقُهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ ، وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ سَعَى الشَّيْعَةِ مَشْكُورًا وَذَنْبَهُمْ مَغْفُورًا وَعَمَلَهُمْ مَقْبُولًا. وَهُوَ يَوْمٌ تُتَفَسَّسُ الْكَرْبُ وَيَوْمٌ تُحَطِّطُ الْوُزُرُ وَيَوْمُ الْحَبَاءِ وَالْعَطِيَّةِ وَيَوْمٌ نُشِرَ الْعِلْمُ وَيَوْمُ الْبَشَارَةِ وَالْعِيدِ الْأَكْبَرِ ، وَيَوْمٌ يُسْتَجَابُ فِيهِ الدُّعَاءُ ، وَيَوْمُ الْمَوْقِفِ الْعَظِيمِ ، وَيَوْمٌ لَبَسَ الثِّيَابَ وَنَزَعَ السَّوَادَ ، وَيَوْمُ الشَّرْطِ الْمَشْرُوطِ وَيَوْمُ نَفْيِ الْهُمُومِ وَيَوْمُ الصَّفْحِ عَنْ مُذْنِبِي شَيْعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. وَهُوَ يَوْمُ السَّبْقَةِ ، وَيَوْمٌ إِكْتِنَارُ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَيَوْمُ الرِّضَا ، وَيَوْمُ عِيدِ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ ، وَيَوْمٌ قَبُولُ الْأَعْمَالِ ، وَيَوْمٌ طَلَبُ الزِّيَادَةِ وَيَوْمٌ اسْتِرَاحَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَوْمُ الْمَتَاجِرَةِ ، وَيَوْمُ التَّوَدُّدِ ، وَيَوْمُ الْوُصُولِ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ ، وَيَوْمُ التَّزَكِّيَةِ ، وَيَوْمٌ تَرَكَ الْكِبَائِرَ وَالذُّنُوبَ وَيَوْمُ الْعِبَادَةِ وَيَوْمُ تَفْطِيرِ الصَّائِمِينَ ، فَمَنْ فَطَرَ فِيهِ صَائِمًا مُؤْمِنًا كَانَ كَمَنْ أَطْعَمَ فَنَائِمًا وَفَنَائِمًا - إِلَى أَنْ عَدَّ عَشْرًا ، ثُمَّ قَالَ: أَوْ تَدْرِي مَا الْفَنَائِمُ؟ قَالَ: لَا ، قَالَ: مَائَةٌ أَلْفٌ. وَهُوَ يَوْمُ التَّهْنِيَةِ يَهْنِي بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَإِذَا لَقِيَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأئِمَّةِ (ع) وَهُوَ يَوْمُ التَّبَسُّمِ فِي وَجْهِ النَّاسِ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ فَمَنْ تَبَسَّمَ فِي وَجْهِ أَخِيهِ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالرَّحْمَةِ وَقَضَى لَهُ أَلْفَ حَاجَةٍ وَبَنَى لَهُ قَصْرًا فِي الْجَنَّةِ مِنْ دُرَّةٍ بَيْضَاءَ وَنَضْرَ وَجْهَهُ وَهُوَ يَوْمُ الزَّيْنَةِ فَمَنْ تَزَيَّنَ لِيَوْمِ الْغَدِيرِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ كُلَّ خَطِيئَةٍ عَمَلَهَا صَغِيرَةً أَوْ كَبِيرَةً وَبَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَائِكَةً يَكْتُبُونَ لَهُ الْحَسَنَاتِ وَيَرْفَعُونَ لَهُ الدَّرَجَاتِ إِلَى قَابِلٍ مِثْلَ ذَلِكَ الْيَوْمِ فَإِنْ مَاتَ شَهِيدًا وَإِنْ عَاشَ عَاشَ سَعِيدًا ، وَمَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا كَانَ كَمَنْ أَطْعَمَ جَمِيعَ الْأَنْبِيَاءِ وَالصَّالِحِينَ ، وَمَنْ زَارَ فِيهِ مُؤْمِنًا أَدْخَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ سَبْعِينَ نُوْرًا وَوَسَّعَ فِي قَبْرِهِ وَيَزُورُ قَبْرَهُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَيُشْرُونَ بِالْجَنَّةِ. وَفِي يَوْمِ الْغَدِيرِ عَرَضَ اللَّهُ لَوْلَايَةِ عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ فَسَبَقَ إِلَيْهَا أَهْلُ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ فَزَيَّنَ بِهَا الْعَرْشَ ، ثُمَّ سَبَقَ إِلَيْهَا أَهْلُ السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ فَزَيَّنَهَا بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ، ثُمَّ سَبَقَ إِلَيْهَا أَهْلُ السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَزَيَّنَهَا بِالْكَوَاكِبِ ، ثُمَّ عَرَضَهَا عَلَى الْأَرْضِينَ فَسَبَقَتْ مَكَّةَ فَزَيَّنَهَا بِالْكَعْبَةِ ، ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا الْمَدِينَةَ فَزَيَّنَهَا بِالْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا الْكُوفَةَ فَزَيَّنَهَا بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَعَرَضَهَا عَلَى الْجِبَالِ فَأَوْلَّ جَبَلٌ أَقْرَبَ بِذَلِكَ ثَلَاثَةَ جِبَالٍ: جَبَلُ الْعِتيق وَجَبَلُ الْفَيْرُوزِجِ وَجَبَلُ الْيَاقُوتِ ، فَصَارَتْ هَذِهِ الْجِبَالُ جِبَالَهُنَّ وَأَفْضَلَ الْجَوَاهِرِ ، ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا جِبَالٌ أُخْرَى ، فَصَارَتْ مَعَادِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ ، وَمَا لَمْ يَقْرَأْ بِذَلِكَ وَلَمْ يَقْبَلْ صَارَتْ لَا تُنْبِتُ شَيْئًا. وَعَرَضَتْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى الْمِيَاهِ فَمَا قَبِلَ مِنْهَا صَارَ مِلْحًا أَجَاجًا ، وَعَرَضَهَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى النَّبَاتِ فَمَا قَبِلَهُ صَارَ حُلُومًا طَيِّبًا ، وَمَا لَمْ يَقْبَلْ صَارَ مَرًّا ، ثُمَّ عَرَضَهَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى الطَّيْرِ فَمَا قَبِلَهَا صَارَ فَصِيحًا مُصَوِّتًا وَمَا أَنْكَرَهَا صَارَ أَخْرَسَ مِثْلَ اللَّكَنِ ، وَمِثْلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي قُلُوبِهِمْ وَوَلَاءُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِي يَوْمِ غَدِيرِ حُمِّ كَمِثْلِ الْمَلَائِكَةِ فِي سُجُودِهِمْ لِآدَمَ ، وَمِثْلُ مَنْ أَبِي وَوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ مِثْلُ إبْلِيسَ ، وَفِي هَذَا الْيَوْمِ أَنْزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾ (المائدة ٦٨) ، وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَكَانَ يَوْمٌ بَعَثَهُ مِثْلُ يَوْمِ الْغَدِيرِ عِنْدَهُ وَعُرِفَ حُرْمَتُهُ إِذْ نَصَبَ لِأُمَّتِهِ وَصِيًّا وَخَلِيفَةً مِنْ بَعْدِهِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ (سيد ابن طاووس، ١٩٩٦م، ج ١: ٤٦٤).

١_ نظام عاطفی گفتمان

آنچه فرآیند عاطفی گفتمان را تنظیم می کند فضای تنشی است. در هر زبانی عواطف از طریق واژگان مطرح و به ظهور می رسند. واژگان مبتنی بر عواطف می تواند احساس و حالات شوش گر عاطفی را به ما بشناساند و بیان گر ویژگی های شوشی - احساسی او به ما باشند. واژگان عاطفی گاه در قالب اسم (خشم، کینه، محبت، عشق) (الضعیفه، الغرور، المحبه و العشق) و گاه در قالب صفت (وحشتناک، پریشان و خسیس) (الوحشه، الشارد و البخيل) و یا ممکن است در قالب قید (باعجله، شتابناک و مغرورانه) (العجله، الغرة) بیان شوند. در این جستار، هدف از بررسی نظام عاطفی گفتمان

بررسی صرف واژگان عاطفی نیست، در واقع بررسی فرایندی است که این عواطف در آن به وجود می‌آیند. برای شناخت نظام عاطفی گفتمان، می‌بایست عناصر سازنده آن را بازشناخت و به تحلیل و نمونه آوری هریک پرداخت.

۱-۱ نقش افعال مؤثر در گفتمان عاطفی

پس از تعریف نظام گفتمان عاطفی، در این بخش عناصر تشکیل دهنده و چگونگی ظهور آن‌ها در گفتمان مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از عناصر سازنده گفتمان عاطفی افعال مؤثر هستند که خود مستقیماً نقش کنشی ندارند و بر افعال کنشی تأثیر می‌گذارند. این افعال عبارت‌اند از خواستن، بایستن، دانستن، توانستن و باور داشتن (حسام پور، مهرابی، ۱۳۹۵: ۶۵). این افعال در فرآیند گفتمان هم به‌طور صریح و هم به‌طور ضمنی ذکر می‌گردند و همچنین می‌تواند در تعامل و یا در چالش با یکدیگر قرار گیرند و گونه‌های ارزشی و بار عاطفی مختلفی را تولید کنند.

«و هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ فِي إِقَامَةِ النَّبِيِّ عَ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَمًا وَ أَبَانَ فَضِيلَتَهُ وَ وَصَّاهُ تَهُ فَصَامَ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَ إِنَّهُ إِنَّهُ لَيَوْمُ الْكَمَالِ وَ يَوْمُ مَرَعَمَةَ الشَّيْطَانِ وَ يَوْمُ تَقَبُلِ أَعْمَالِ الشَّيْخَةِ وَ مُحَبِّي آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَعْمَدُ اللَّهُ فِيهِ إِلَى مَا عَمَلَهُ الْمُخَالَفُونَ فَيَجْعَلُهُ هَبَاءً مَثُورًا» (ابن طاووس، ۱۹۹۶م، ج ۱: ۴۶۴).

هسته اولیه گفتمان در متن خطبه مذکور از چالش میان حق بودن حضرت علی (علیه السلام) و ولایت ایشان و باطل بودن شیطان و اهل آن شکل می‌گیرد و از چالش دانستن و ندانستن بار عاطفی گفتمان مبتنی بر حقانیت حضرت علی (علیه السلام) و دین اسلام اثبات می‌گردد. افعالی نظیر "تکمیل کردن دین و منصوب شدن حضرت علی (علیه السلام) به عنوان امیر مؤمنان" نشان از حق بودن ولایت حضرت و افعالی نظیر "مخالفت و سرباز زدن مخالفان و اقدامات باطل شیطان" حکایت از ناباوری و عدم اعتقاد قلبی مخالفان دین حق و ولایت دارد. از چالش میان دو فعل مؤثر "دعوت به سوی پذیرش ولایت حضرت علی (علیه السلام) و مخالف بودن برخی از افراد و اقدامات شیطان" دینامیک معنایی گفتمان ایجاد می‌شود و به دین گونه نظام گفتمان عاطفی استوار بر حقانیت حضرت و ولایت ایشان تولید و مضمون اصلی آن دریافت می‌شود. در انتهای خطبه مذکور امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید خداوند مخالفان و عملشان را نابود می‌سازد که این خود گونه‌های ارزشی و بار عاطفی مختلفی را تولید می‌کند و در القای دال‌های عاطفی گفتمان و شکل گرفتن آن در ذهن مخاطب تأثیر گذار است.

۱-۲ تأثیر آهنگ و نمود در گفتمان پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

مقصود از آهنگ گفتمان، ریتمی است که باهدف و برنامه خاصی در گفتمان ظاهر و یا ناپدید می‌گردد. در واقع هر ریتم حاکم بر گفتمان مسئول ایجاد اثرات عاطفی گوناگون متناسب با موضوع گفتمان است، به نحوی که شوش‌گر به هنگام احساس ریتم در گفتمان نمایه‌هایی را در فعالیت‌های جسمی و ادراکی خود بروز می‌دهد (نایی، شعیری، ۱۳۹۵: ۶۵).

«فَإِنْ مَاتَ مَاتَ شَهِيدًا وَإِنْ عَاشَ عَاشَ سَعِيدًا، وَمَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا كَانَ كَمَنْ أَطْعَمَ جَمِيعَ الْأَنْبِيَاءِ وَالصَّادِقِينَ، وَمَنْ زَارَ فِيهِ مُؤْمِنًا أَدْخَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ سَبْعِينَ نُوْرًا وَوَسَّعَ فِي قَبْرِهِ وَيُزُورُ قَبْرَهُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَيَبْشُرُونَ بِالْجَنَّةِ». (ابن طاووس، ۱۹۹۶م، ج ۱: ۴۶۵).

«وَعَرَضَهَا عَلَى الْجِبَالِ فَأَوَّلُ جَبَلٍ أَقْرَبَ بِذَلِكَ ثَلَاثَةَ جِبَالٍ: جَبَلُ الْعَتِيقِ وَجَبَلُ الْغَيْرُوزِجِ وَجَبَلُ الْبِاقُوتِ، فَصَارَتْ هَذِهِ الْجِبَالُ جِبَالَهُنَّ وَأَفْضَلَ الْجَوَاهِرِ، ثُمَّ سَبَقَتْ إِلَيْهَا جِبَالٌ أُخْرَى، فَصَارَتْ مَعَادِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ». (همان).

کلمات و حروفی که حضرت رضا (علیه السلام) به هنگام خطبه از آنها استفاده می‌کند باعث می‌شود شوش‌گر به هنگام شنیدن آنها نمایه‌هایی را در فعالیت‌های جسمی و ادراکی خود بروز دهد و آهنگ ناشی از تکرار آنها باعث نفوذ اثر عاطفی گفتمان در ذهن مخاطب شود. علاوه بر این، به کارگیری این کلمات و حروف توسط حضرت به منظور ایجاد نتیجه مطلوب و عاقبت نیک ناشی از انجام عمل خیر می‌باشد که مخاطب با تامل منطقی در معنای ضمنی آن به نتیجه مطلوب و معنوی آن پی می‌برد.

ویژگی‌های صوتی و آوایی انتهایی به کار رفته در کلام حضرت در قالب برخی از حروف نظیر "ر و س و ش و ج" در کنار عبارات کوتاه و قطعه گونه آن تداعی گر ضرب آهنگی آرام و موسیقی گونه می‌باشد. به این ترتیب گفتمان حاضر، آهنگی را در نمودی مستمر نمایان می‌سازد که اثر عاطفی امید و گشایش را تولید می‌کند، چرا که «بردباری برای رسیدن به هدف نوعی انتظار و مقاومت برای گشایش است که در آموزه‌های دینی سابقه داشته است و در ادبیات تعلیمی فضایل اخلاقی به شیوه هنرمندانه آموزش داده می‌شود» (افراسیاب پور، ۱۳۹۱: ۱۰۳). به عبارتی دیگر می‌توان گفت موسیقی ناشی از تکرار حروف و کلمات داخل متن خطبه با توجه به شرایط حاکم بر فضای موجود باعث شکل‌گیری دال‌های عاطفی گفتمان و نمود پیدا کردن آن بر ذهن مخاطب و ایجاد و تولید معنا و مفهوم ناشی از گفتمان شده است.

۳-۱ تأثیر جسم- ادراکی یا جسمار

جهان عواطف برای بروز خود طرق گوناگونی در پیش می‌گیرد، و مهم‌ترین راه‌های اعلام عواطف بیان جسمی آن است که جانشین گفتار و بیان می‌گردد. برای مثال شوش‌گر عاطفی در شرایطی قرار می‌گیرد که موجب شرم و خجالت وی می‌شود و بیان جسمی همچون برافروختگی صورت و یا لرزش دست، سربه‌زیر افکندن این نمایه عاطفی را از خود بروز می‌دهد. بدین ترتیب می‌توان گفت «نمایه‌های عاطفی بروز یافته در جسم نوعی گفتمان هستند و به همین دلیل است که از ترکیبات جسمی _ ادراکی گفتمان صحبت به میان آید لذا می‌توان آن‌ها را مورد ارزش‌یابی قرارداد و صحت و سقم آن‌ها را بررسی نمود» (شعیری، ۱۳۹۵: ۱۲۶).

«وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَزِيدُ اللَّهُ فِي حَالِ مَنْ عَبْدَ فِيهِ وَوَسَّعَ عَلَى عِبَالِهِ وَنَفَسَهُ وَإِخْوَانَهُ وَيَعْتَقُهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ، وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ سَعَى الشَّيْطَانِ مَشْكُوراً وَذَنْبَهُمْ مَغْفُوراً وَعَمَلَهُمْ مَقْبُولاً» (ابن طاووس، ۱۹۹۶م، ج ۱: ۴۶۵).

«إِنَّهُ لِيَوْمَ الْكَمَالِ وَ يَوْمَ مَرْغَمَةِ الشَّيْطَانِ وَ يَوْمَ تَقْبَلُ أَعْمَالُ الشَّيْطَانِ وَ مُحِبِّي آلِ مُحَمَّدٍ، وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَعْمَدُ اللَّهُ فِيهِ إِلَى مَا عَمَلَهُ الْمُخَالِفُونَ فَيَجْعَلُهُ هَبَاءً مَنْثُوراً» (همان، ۴۶۴).

حضرت در بخش‌های مختلفی از این خطبه و در خطاب به مخاطبان با استفاده از جملات و کلماتی که دارای دال‌های عاطفی گفتمان هستند آنها را به اصل ایمان و اعتقاد به ولایت حضرت علی(علیه السلام) و عدم توجه به سرمایه‌های مادی دنیا و تدبیر در مسیر حق و درست دعوت می‌کند. حضرت با بر شمردن ویژگی‌ها و نتایج مطلوب ولایت‌پذیری و اعتقاد به حضرت علی(علیه السلام) نظیر (وسعت و گسترش رفاه و آسایش زندگی، نجات از آتش، بخشش گناهان و...) جهت‌گیری یک نوع باور و اعتقاد صحیح را در جسم شوش‌گران پدید می‌آورد که در این میان افرادی هستند که مخالفت و مقاومت خود را در برابر ولایت حضرت علی(علیه السلام) اعلام می‌دارند و زیر بار گفتمان منطقی و آگاهانه حضرت و مسیر حق نمی‌روند که خود را با این عمل به وادی هلاکت و نابودی انداختند. (وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَعْمَدُ اللَّهُ فِيهِ إِلَى مَا عَمَلَهُ الْمُخَالِفُونَ فَيَجْعَلُهُ هَبَاءً مَنْثُوراً). علاوه بر این‌ها بینی شیطان نیز به خاک مالیده شد تو حق از باطل تبیین شود. (يَوْمَ مَرْغَمَةِ الشَّيْطَانِ). اما عده‌ای دیگر صبر و شکیبایی کرده و نسبت به گفتمان منطقی حضرت رضا(علیه السلام) واکنش مثبت نشان داده و ولایت حضرت علی(علیه السلام) و راه درست را برگزیدند که در نهایت خداوند متعال عاقبت نیک و مطلوب برای آنها رقم می‌زند. بنابراین این شوش‌انتظار و امیدواری نسبت سرانجام نیک پس از پذیرش ولایت و مسیر حق نمایه جسمی تحرک و جنب و جوش را در جسم شوش‌گران پدید می‌آورد.

۴-۱ صحنه‌های عاطفی یا صحنه‌پردازی

بروز جسمانه‌ای عواطف بر جسم شوش‌گران، ممکن است دارای صحنه‌ای باشد که در آن شوش‌گران عاطفی به گونه‌ای منحصر به فرد به عنوان یکی از عناصر اصلی صحنه ظاهر شوند. در حقیقت برای بروز عواطف و احساسات در گفتمان، قائل بودن به چارچوب صحنه‌ای، بدین معنا است که برای به ظهور رساندن احساسات، نیازمند قالبی زمانی و مکانی و عنوان بشری و غیر بشری هستیم (شعیری، ۱۳۹۵: ۱۳۲-۱۳۰).

«إِنَّ يَوْمَ الْغَدِيرِ بَيْنَ الْأُضْحَىٰ وَالْفَطْرِ وَالْجُمُعَةِ كَأَلْقَمَرٍ بَيْنَ الْكَوَاكِبِ وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي نَجَا فِيهِ إِبْرَاهِيمُ الْخَلِيلُ مِنَ النَّارِ فَصَامَهُ شُكْرًا. وَ يَوْمَ مَرَعْمَةَ الشَّيْطَانِ وَ يَوْمَ تَقْبِيلِ أَعْمَالِ الشَّيْخَةِ وَمُجَبِّي آلِ مُحَمَّدٍ، وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَعْمَدُ اللَّهُ فِيهِ إِلَى مَا عَمَلَهُ الْمُخَالِفُونَ فَيَجْعَلُهُ هَبَاءً مَنثورًا» (ابن طاووس، ۱۹۹۶م، ج: ۱، ۴۶۴).

«وَهُوَ يَوْمُ التَّبَسُّمِ فِي وَجْهِ النَّاسِ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ فَمَنْ تَبَسَّمَ فِي وَجْهِ أَخِيهِ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالرَّحْمَةِ وَقَضَىٰ لَهُ أَلْفَ حَاجَةٍ وَبَنَىٰ لَهُ قَصْرًا فِي الْجَنَّةِ مِنْ دُرَّةٍ بَيضاءَ وَنَضَّرَ وَجْهَهُ وَهُوَ يَوْمُ الزَّيْنَةِ فَمَنْ تَزَيْنَ لِيَوْمِ الْغَدِيرِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ كُلَّ خَطِيئَةٍ عَمَلَهَا صَغِيرَةً» (همان: ۶۴۵)

«وَمَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا كَانَ كَمَنْ أَطْعَمَ جَمِيعَ الْأَنْبِيَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَمَنْ زَارَ فِيهِ مُؤْمِنًا أَدْخَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ سَبْعِينَ نُوْرًا وَوَسَّعَ فِي قَبْرِهِ» (همان: ۴۶۵).

در تحلیل گفتمان خطبه مذکور حضرت رضا(ع) که برای فراخواندن مردم به منظور هدایت به مسیر درست و پذیرفتن حضرت علی(علیه السلام) به عنوان امیر مؤمنان این خطبه رو بیان کرده است به هنگام دعوت آنان به راه حق از نمایه های مختلفی بهره می گیرد. مانند: گفتمان و صحبت های منطقی، تذکر دادن، امر به معروف و نهی از منکر و خوش رویی و لبخند زدن به مردم، اطعام دادن به مؤمن که همگی از ویژگی های بارز امام علی(علیه السلام) است و بیان داشتن نتیجه انجام این کارها به دنبال محقق ساختن کنش و برنامه مطرح شده می باشد. حضرت رضا(علیه السلام) هژمونی اعتقاد و باور به حق بودن ولایت امام علی(علیه السلام) و راه درست را با وارد شدن در آتش دوزخ و هلاکت و نابودی و نیز رستگاری و نجات از آتش و عذاب الهی منتقل می کند و با کمک آن برخی از افراد را هدایت و عده ای دیگر را به عذاب الهی و هلاکت بشارت می دهد. استفاده از لایه ضمنی گفتمان یعنی (افعال و اقدامات مذکور) اگرچه برای مردم مضر است اما به نوعی در لایه ثانویه خود به سودمندی ولایت پذیری و قرار گرفتن در مسیر درست اشاره دارد، مسأله ای که در نهایت به رستگاری و نجات برخی از افراد و نابود شدن مخالفان منجر می شود. در واقع عواطف و احساسات در قالب زمانی و مکانی مناسب خود در خطبه مذکور ظهور پیدا کرده و باعث بروز جسمانه عواطف در شوشگران شده است.

۱-۵ چشم انداز یا دورنما سازی

از دیگر عوامل بروز احساسات در فرآیند عاطفی گفتمان، موضع گیری گفته پرداز است. در واقع عواطف و احساسات زمانی بروز پیدا می کنند که عاملی در روند گفتمان نسبت به عوامل و پدیده ها موضع گیری از خود نشان دهد (شعیری، ۱۳۸۴: ۱۴۰).

« وَهُوَ يَوْمٌ تَنْفِيسِ الْكَرْبِ وَيَوْمٌ تَحْطِيطِ الْوِزْرِ وَيَوْمٌ الْحَبَاءِ وَالْعَطِيَّةِ وَيَوْمٌ نَشْرِ الْعِلْمِ وَيَوْمٌ الْبَشَارَةِ وَالْعِيدِ الْأَكْبَرِ، وَيَوْمٌ يُسْتَجَابُ فِيهِ الدُّعَاءُ، وَيَوْمٌ الْمَوْقِفِ الْعَظِيمِ، وَيَوْمٌ لِبَسِّ الثِّيَابِ وَنَزْعِ السَّوَادِ، وَيَوْمٌ الشَّرْطِ الْمَشْرُوطِ وَيَوْمٌ نَفْيِ الْهَمُومِ وَيَوْمٌ الصَّفْحِ عَنِ مُذْنِبِي شِيعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. وَهُوَ يَوْمٌ السَّبْقَةِ، وَيَوْمٌ إِكْثَارِ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَيَوْمٌ الرِّضَا» (ابن طاووس، ۱۹۹۶م، ج: ۱، ۴۶۵).

«وَفِي يَوْمِ الْغَدِيرِ عَرَضَ اللَّهُ لَوْلَايَةِ عَلِيِّ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ السَّعِيقِ فَسَبَقَ إِلَيْهَا أَهْلُ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ فَزَيْنَ بِهَا الْعَرْشَ، ثُمَّ سَبَقَ إِلَيْهَا أَهْلُ السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ فَزَيْنَهَا بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ، ثُمَّ سَبَقَ إِلَيْهَا أَهْلُ السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَزَيْنَهَا بِالْكَوَاكِبِ». (ابن طاووس، ۱۹۹۶م، ج: ۱، ۴۶۶).

در سرتاسر گفتمان خطبه مذکور جلوه های مثبت روز غدیر و ولایت حضرت علی(علیه السلام) و باور و اعتقاد به مسیر درست مطرح می شود. موضع حضرت رضا(علیه السلام) در این گفتمان یک موضع معنوی و دینی می باشد بدین ترتیب که چشم انداز خود را در خلال گفتمان تولید و به گفته یاب انتقال می دهد و با استفاده از جملات مذکور جایگاه حضرت علی(علیه السلام) و صفات برتر و نیک ایشان ثابت می شود. در نتیجه حضرت رضا(علیه السلام) توانسته دور نمایی قابل تحقق از صفات خویش و لزوم حرکت به سمت حقانیت را ترسیم کند. دور نمایی که در

خواست‌های ایشان از مخاطبان عام در خصوص رفتار منطقی و آگاهانه در برابر مسیر درست و تدبیر در ولایت و پذیرفتن آن بروز پیدا کرده و باعث شکل‌گیری عواطف و چشم‌انداز در درون شوش‌گران شده است.

۶-۱ کنش زایی و سکون

آخرین موردی که گفتمان را عاطفی می‌سازد، مبحث کنش‌زایی و سکون عنصر عاطفی است. در واقع هرگاه عنصر عاطفی موجب کنش گردد آن عنصر را عنصر زایا می‌نامیم و بالعکس هرگاه عنصر عاطفی؛ علاوه بر توقف خود، مانع بروز کنش دیگری نیز شود ما با نوعی سرکوب و سکون مواجهیم. صحبت‌های منطقی و هوشیارکننده شوشی مبتنی بر یقین را در تعداد کمی از شوش‌گران پدید آورد. و این نمایه عاطفی تولید شده آنان موجبات کنش بعدی را در آنها فراهم آورد. در حقیقت «زبان بازنمودی از دنیا است و تولیدات زبانی از شیوه حس کردن مایه می‌گیرد به گونه‌ای از صافی حواس عبور می‌کند و به گونه‌ای می‌تواند از صافی حواس عبور کند؛ بنابراین هر یک از حواس می‌توانند، منشأ تولیدات زبانی به شمار روند» (زاد منش و شعیری، ۱۳۹۲: ۱۴).

«وَعَرَضَتْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى الْمِيَاهِ فَمَا قَبِلَ مِنْهَا صَارَ مَلِحًا أَجَاجًا، وَعَرَضَهَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى النَّبَاتِ فَمَا قَبِلَهُ صَارَ حُلُومًا طَيِّبًا، وَمَا لَمْ يَقْبَلْ صَارَ مُرًّا، ثُمَّ عَرَضَهَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَى الطَّيْرِ فَمَا قَبِلَهَا صَارَ فَصِيحًا مُصَوِّتًا وَمَا أَنْكَرَهَا صَارَ أَحْرَسَ مِثْلَ اللَّكْنِ». (ابن طاووس، ۱۹۹۶م، ج: ۱: ۴۶۵).

«وَهُوَ الْيَوْمَ الَّذِي يَعْمَدُ اللَّهُ فِيهِ إِلَى مَا عَمَلَهُ الْمُخَالَفُونَ فَيَجْعَلُهُ هَبَاءً مَثُورًا» (ابن طاووس، ۱۹۹۶م، ج: ۱: ۴۶۴).

در واقع بر اساس گفتمان کلی موجود در خطبه ملاحظه می‌شود حتی ولایت‌پذیری به آبها، گیاهان و پرندگان نیز عرضه شد. حضرت می‌فرماید: در این روز ولایت به آبها عرضه شد و هر آبی که پذیرفت گوارا و شیرین گردید و آبی که قبول نکرد شور و تلخ شد. و همچنین ولایت بر گیاهان عرضه شد، پس هر کدام پذیرفته شیرین و نیکو و آنچه قبول نکرد تلخ گردید. سپس ولایت در این روز بر پرندگان عرضه شد و آنها که قبول کردند خوش آواز و گویا و هر کدام انکار نموده لال گردیدند. علاوه بر این امر ولایت‌پذیری به مخالفان نیز عرضه شد که آنها نسبت مقاومت خود پایدار بوده و در نهایت هلاک شدند.

به این ترتیب عدم پذیرش دعوت پذیرفتن حق توسط برخی از افراد، مقدمات کنش‌هایی چون: طغیان و عدم ایمان به ولایت را در تعداد کمی از شوش‌گران ایجاد می‌کند و در کسانی که از دعوت حق سرباز نمی‌زنند و نسبت به حضرت علی(علیه السلام) و ولایت ایشان و نیز مسیر درست ایمان می‌آورند، کنش‌هایی چون اعتقاد و باور قلبی به حضرت علی(علیه السلام) دوری از مخالفت را به دنبال دارد.

این گفتمان، گفتمانی زایا است؛ چرا که گفتمان موجود، گفتمانی انقلابی و کنش‌زا است و تعدادی از شوش‌گران را بر آن می‌دارد پس از به وقوع پیوستن عینیت و راستیت کلام حضرت رضا(علیه السلام) تعداد زیادی از افراد به حقانیت حضرت علی(علیه السلام) و ولایت ایشان بیش از پیش باورمند شوند. در مجموع می‌توان گفت که عناصر سازنده گفتمان عاطفی (کنش‌زایی و سکون، نقش افعال موثر، ریتم و آهنگ، چشم‌انداز، صحنه پردازی و نقش جسمی ادراکی) در جهت تعلیم و انتقال گفتمان هژمونیک حقانیت ولایت و مسیر حق است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله با استفاده از رویکرد نشانه‌معناشناسی به بررسی بعد عاطفی گفتمان بر اساس نظریه گرمس در خطبه غدیریه امام رضا(علیه السلام) پرداخته شد که یافته‌های پژوهش عبارت‌اند از:

- تحلیل نظام عاطفی گفتمان خطبه بیان‌گر این مطلب است که تمام عناصر سازنده گفتمان عاطفی دو مفهوم را تولید می‌کنند؛ الف: القای ولایت‌پذیری ب: انتقال گفتمان هژمونیک حقانیت حضرت علی(ع) و ولایت ایشان.

__ گفتمان خطبه با وجود کوتاه بودن و ایجاز، فضایی منسجم و گسترده را به تصویر می‌کشد. تصویر سازی همراه با تخیل، دقت در انتخاب کلمات و ایجاد امید در دل مخاطب به تغییر شرایط از وضع ظاهری با کلماتی آهنگین و عباراتی کوتاه بیان شده است.

__ افعال موثر، دور نماسازی، صحنه های عاطفی، آهنگ و نمود، کنش زایی و سکون و جسمار به ایجاد بار عاطفی و زیباتر شدن کلام کمک کرده‌اند و از طرفی غلبه فضای عاطفی بر فضای شناختی باعث زیباتر شدن کلام گردیده است که این امر مخاطب را به درک فضای گفتمان عاطفی رهنمون می‌سازد.

__ فضای گفتمان عاطفی بر خطبه غدیریه بسیار مشهود است و گونه‌های تقابلی شناختی و دخیل در تولید به معنا به گونه‌هایی سیال و ناپایدار تغییر می‌یابند و به کارگیری رویکرد نشانه معنانشناسی باعث افزایش عاطفه و احساس در کلام حضرت شده و بر اثر بخشی آن بر مخاطب را می‌افزاید.

- تحلیل نظام عاطفی گفتمان حضرت بیان‌گر این مطلب است که: حضرت با حرف‌های منطقی و گفتمان آگاهی بخش خود، شناخت تعدادی از مخاطبان را افزایش می‌دهد و با افزایش شناخت به طور همزمان ایمان آنها به گفته حضرت در خصوص ولایت پذیری و قرار گرفتن در مسیر حق افزایش پیدا می‌کند و نتیجه این افزایش ایمان، دسترسی به مفهوم حقانیت حضرت علی (علیه السلام) و تعلیم آموزه‌های دینی است که در خلال گفتمان تأمین می‌گردد. اما تعدادی دیگر از افراد با حرف و استدلال‌های منطقی حضرت دعوت را قبول نکردند و برای خود هلاکت و نابودی خواستند.

منابع

- ۱_ ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۹۹۶م)، اقبال الأعمال، ج ۱، چ ۱، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ۲_ حمیری، عبد الواسع، (۲۰۰۸م)، «الخطاب و النص»، بیروت: مجلد.
- ۳_ شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۴). «بررسی نقش بنیادی ادراک حسی در تولید معنا» شناخت. ش ۴۶-۴۵، ص ۱۳۱-۱۴۶.
- ۴_ شعیری، حمیدرضا، وفایی، ترانه (۱۳۸۸)، «راهی به نشانه - معنانشناسی سیال با بررسی مورد ققنوس نیما»، تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۵_ _____ (۱۳۸۵) «تجزیه و تحلیل نشانه - معنانشناختی گفتمان، ج ۱، تهران: سمت.
- ۶_ _____، (۱۳۹۵)، «نشانه-معنانشناسی ادبیات: نظریه و روش تحلیل گفتمان ادبی»، مرکز نشر آثار علمی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ۷_ گرمس، آلژیرداس، زولین، (۱۳۸۹)، «نقصان معنا»، ترجمه و شرح حمیدرضا شعیری، تهران، علم.

مقالات

- ۸_ پارسا، سید احمد و رحیمی، منصور (۱۳۹۶)، «بررسی نشانه معنانشناسی داستان لیلی و مجنون جامی بر پایه تحلیل گفتمان»، فنون ادبی (علمی-پژوهشی) صص ۱-۱۸.
- ۹_ پروینی، خلیل و نظری، علیرضا، (۱۳۹۴ش)، «زبان شناسی متن و انطباق الگوی انسجام در دیدگاه صاحب نظران معاصر عرب» دو ماهنامه جستارهای زبانی، ص ۱۲۳-۱۴۶.
- ۱۰_ حسام پور، سعید، مهربانی، امین، (۱۳۹۵) «تجزیه و تحلیل نشانه معنانشناسی شعر "حلاج" شفیعی کدکنی»، فصلنامه ایران نامگ، شماره چهارم، صص ۷۰-۵۰.
- ۱۱_ خراسانی، فهیمه، غلامحسین زاده، غلامحسین، شعیری، حمیدرضا، (۱۳۹۴)، «بررسی نظام گفتمانی شوشی در داستان سیاوش»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، شماره چهل و هشتم، صص ۵۳-۳۵.
- ۱۲_ داودی مقدم، فریده (۱۳۹۳)، «تجزیه و تحلیل ادبی زبان داستان قرآنی موسی (ع) و خضر از منظر نظام‌های گفتمانی»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ادبی - قرآنی، صص: ۱۳۳-۵۹.
- ۱۳_ راد منش، شبنم السادات و شعیری، حمید رضا (۱۳۹۲)، «بررسی نشانه-معنا شناختی رابطه عنوان و نقاشی: مطالعه موردی تداوم خاطره اثر سالوادردالی و جیغ اثر ادوارد مونش» فصلنامه تخصصی نقد ادبی، صص: ۳۰-۷.

- ۱۴_ _____، اسماعیلی، عصمت و کنعانی، ابراهیم، (۱۳۹۲)، «تحلیل نشانه - معناساختی شعر باران»، فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی، شماره بیست و پنجم، صص ۸۹-۵۹.
- ۱۵_ قوامی، بدریه و آذرنوا، لیلا، (۱۳۹۲ش)، «تحلیل انسجام و هماهنگی انسجامی در شعر کوتاه از شاملو»، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی، س ۵، شماره ۱۵، ص ۷۴.
- ۱۶_ ناییبی، سلما و شعیری، حمید رضا، (۱۳۹۵)، «تحلیل بازنمایی سکوت بر اساس کارکرد تنشی گفتمان در سینمای کیشلوفسکی»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه هنر، صص ۷۹-۶۵.
- منابع انگلیسی

Benvenistee. (1974), "L'appareil formal de le nonciation in" in language. paris. larousse.



پایگاه استنادی علوم جهان اسلام



دانشگاه تربیت مدرس



انجمن علمی زبان و ادب فارسی

دهمین همایش ملی پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

www.anjomanfarsi.ir